

## فهرستها و کتابشناسی های تاریخ روابط خارجی ایران

امیر سعید الهی

کتابشناسی ها و فهرستهای موضوعی که تدوین آنها در سالهای اخیر در کشور ما متداول شده، روزنه ای است که محقق را به صدها منبع چاپی و گاه غیر چاپی در زمینه موضوع مورد تحقیق رهنمون می شود. اکثر منابع موجود جهت یک تحقیق جامع به منظور تدوین تاریخ روابط خارجی ایران را سفرنامه ها، اسناد، متون تاریخی، عهدنامه ها و خاطرات رجال سیاسی عصر تشکیل می دهند و کتابشناسی هایی که در این زمینه تدوین گردیده اند می توانند راهگشای مناسبی جهت دسترسی به منابع مذکور به شمار آیند.

هر یک از این فهرستها و کتابشناسی ها خود حاوی صدها عنوان کتاب در زمینه های مورد نظر بوده و در اکثر کتابخانه ها در دسترس علاقه مندان قرار دارند. لیکن یافتن سریع منابع مذکور در آنها خود محتاج تهیه فهرستگانی است که قدمهای اولیه در تدوین آن برداشته شده است. مطالعات فرسبی اینک با امید راهگشایی هرچه بیشتر، نخستین کوشش کتابخانه و مرکز اسناد دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی در این زمینه تقدیم می گردد.\*

۱. آتابای، بدری. فهرست تاریخ، سفرنامه، سیاحت نامه، روزنامه و جغرافیای خطی کتابخانه سلطنتی. تهران: کتابخانه سلطنتی سابق، ۱۳۵۶. ۷۵۹+۶۹ ص.
۲. اردبیلی، عطاءالله. میری در سفرنامه های ایرانی- کتابشناسی توصیفی پایان نامه فوق لیسانس کنابداری. تهران: دانشگاه تهران، دانشکده علوم تربیتی، ۱۳۵۵. ۱۳۳ ص.
۳. ازغندی، علیرضا. کتابشناسی عمومی تاریخ سیاسی ایران از مشروطیت تا انقلاب اسلامی ایران. تهران: انتشارات کیهان، ۱۳۶۵.

\* جهت اطلاع از سایر منابع خطی رجوع کنید به فهرست کتابهای خطی کتابخانه های مختلف.   
اللام ستاره دار نشانگر موجود بودن آنها در کتابخانه و مرکز اسناد دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی است.

۴. اقبال، عباس. چند سفرنامه از سفرای ایران. نشریه وزارت امور خارجه، س. ۱. ش ۳، (۱۳۲۸-۱۳۲۷ ش.). صص ۲۶-۳۷.
۵. بابازاده، شهلا. فهرست توصیفی سفرنامه‌های آلمانی موجود در کتابخانه ملی ایران. تهران: وزارت فرهنگ و هنر، کتابخانه ملی، ۱۳۵۷. ۱۲۳ ص.
۶. پوراحمد جکتاچی، محمدتقی. فهرست توصیفی سفرنامه‌های انگلیسی موجود در کتابخانه ملی ایران. تهران: کتابخانه ملی، ۱۳۵۵. ۲۶۴+ ص.
۷. پوراحمد جکتاچی، محمدتقی. فهرست توصیفی سفرنامه‌های فرانسوی موجود در کتابخانه ملی ایران. تهران: کتابخانه ملی، ۱۳۵۵. ۲۴۴ ص.
۸. دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، مرکز مطالعات عالی بین‌المللی، کتابخانه انگلیسی، فرانسه و فارسی درباره خاورمیانه. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۵۴. ب+ ۱۷۹ ص.
۹. دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، مرکز مطالعات عالی بین‌المللی. فهرست مقالات مربوط به روابط خارجی ایران. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۵۴. پنج+ ۱۰۵ ص.
۱۰. دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، مرکز مطالعات عالی بین‌المللی. فهرست کتابهای مربوط به روابط خارجی ایران به زبانهای فارسی، فرانسه، انگلیسی. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۵۳. ۴۴+ ۳۰ ص.
۱۱. راثین، اسماعیل. کتابنامه خلیج فارس. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی. ۱۳۰ ص.
۱۲. فرمانفرمایان، حافظ. کتابشناسی تاریخ جدید و معاصر. تهران: انتشارات طهوری، ۱۳۴۴. ۳۲ ص.
۱۳. فرمانفرمایان، حافظ. کتابشناسی تاریخ مشروطیت ایران. فهرست توضیحی از مآخذ و کتب و مقالات چاپی درباره تاریخ مشروطیت. تهران: امیرکبیر، ۱۳۴۵. ۳۰ ص.
۱۴. فرمانفرمایان، حافظ. کتابشناسی تاریخ معاصر. فهرست منتخبی از مآخذ و منابع چاپی برای مراجعه دانشجویان. تهران: طهوری، ۱۳۴۴. ۳۲ ص. (شامل ۸۲ کتاب).
۱۵. کاویانی، منصوره. کتابشناسی امپریالیسم. تهران: سازمان پژوهش. ۱۴۳ ص.
۱۶. ملک، اقدس، ابوالفضل قاضی و محمدرضا جلیلی. فهرست توصیفی کتابشناسی علوم سیاسی. زیر نظر حمید عنایت، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۵۴. ح+ ۴۲۰ ص.
۱۷. مؤسسه تحقیقات و برنامه‌ریزی علمی و آموزشی، مرکز مدارک علمی. کتابشناسی گزیده خلیج فارس. تهران: ۱۳۵۶. ۱۹ ص.
۱۸. میراحمدی، مریم. علامرضا وهرام. کتابشناسی موضوعی تاریخ ایران. تهران: انتشارات مهرداد، ۱۳۶۲. ۲۱۷ ص.
۱۹. نبوی، محمد باقر. کتابنامه خلیج فارس و دریای عمان. اهواز: دانشگاه جندی شاپور، دانشکده علوم دریایی، ۱۳۶۱. ب+ ۱۲+ VII+ 56 ص.

- ۲۰. وزارت امور خارجه، مرکز اسناد وزارت امور خارجه. فهرست نامه‌های متبادل بین پادشاهان و سران کشورهای جهان با دربار ایران، با مقدمه خانبابا بیانی. تهران: ۱۳۵۲. ۱۹۴+۳۲ص.
- ۲۱. وزارت امور خارجه، مرکز بررسی و تنظیم اسناد. فهرست بخشی از اسناد و عهدنامه‌ها و سفرنامه‌ها و رساله‌های دوره قاجاریه، با مقدمه خانبابا بیانی. تهران: ۱۳۵۴. ۳۴۴ص.
- ۲۲. وزارت امور خارجه، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، واحد نشر اسناد. راهنما و مشخصات معاهدات دو جانبه ایران با سایر دول (موجود در وزارت امور خارجه)، ۱۳۵۷-۱۱۸۵ هجری شمسی/۱۹۷۹-۱۸۰۷ میلادی. تهران: ۱۳۶۷. ۸۶۹ص.
- ۲۳. همایون‌نورد، محمد صادق. فهرست توصیفی سفرنامه‌ها و کتابهای تاریخی دوسی موجود در کتابخانه ملی ایران. تهران: کتابخانه ملی، ۱۳۵۹. ۲۲۶ص.

## کتابشناسی موضوعی خلیج فارس (فارسی-عربی)\*

خلیج فارس یکی از نقاط مهم جغرافیایی در جهان امروز به حساب می‌آید ولی این منطقه تنها در قرن بیستم اعتبار پیدا نکرده است، بلکه از زمانهای بسیار دور به عنوان یک آبراه مهم و مرکز فعالیتهای تجاری، با جاذبه‌های فراوان، محل رفت و آمد و مبارزه اقوام مختلف جهت بهره‌برداری از امکانات آن و گاه به منظور تسلط بر منطقه بوده است. تاریخ طولانی و پُر حادثه این منطقه به همراه اهمیت آن از نظر جغرافیایی، اقتصادی، و استراتژیکی و بویژه وجود ذخایر غنی نفت و گاز در منطقه و نقش آن در تأمین انرژی جهان در قرن بیستم بحثهای گوناگونی را از دیدگاههای مختلف موجب گردیده که انبوهی از اطلاعات و مدارک مربوط به منطقه را همراه داشته است.

یکی از ویژگی‌های جهان حاضر رشد و توسعه علوم و فنون و به همراه آن رشد فزاینده پژوهشگران و انتشار پژوهشهای علمی و اطلاعات و مدارک گوناگون می‌باشد. بنابراین یکی از مشکلات عمده پژوهشگران حاضر دستیابی به منابع لازم از میان منابع اطلاعاتی منتشر شده در زمینه‌های گوناگون است. این مشکل بویژه در کشورهای جهان سوم بسیار به چشم می‌خورد، در حالی که در این گونه کشورها انتشار هرچه بیشتر منابع اطلاعاتی می‌تواند راه رشد و توسعه علوم و فنون را هموارتر سازد.

هدف کتابشناسی موضوعی خلیج فارس گردآوری مشخصات بیشترین اطلاعات و

منابع از نظر موضوعی به سه بخش اصلی و پنجاه و سه بخش فرعی تقسیم شده‌اند و منابع مربوط به هر یک از کشورها به طور خاص شش موضوع مختلف را دربرمی‌گیرد. تمامی منابع برای سهولت در امر بازیابی از ابتدا تا انتها براساس شمارهٔ مسلسل ردیف شده‌اند. در پایان سه بخش اصلی کتابشناسی، یک بخش متمم که حاوی فهرست منابع و تعدادی از مدارک بوده و نیز منابع جدیدی که منابع تا پایان سال ۱۳۶۷ را دربردارد، به کتاب افزوده شده است.

پژوهشگران متخصص در این زمینه جهت تسریع در فراهم آوردن نیازهای اطلاعاتی خود می‌توانند به طرح تقسیم‌بندی موضوعی کتابشناسی مراجعه نمایند. ضمناً در پایان کتاب برخی مدارک ویژه، دو فهرست نام اشخاص، که دربرگیرندهٔ نام نویسندگان، مترجمان، ویراستاران، و گردآورندگان است، و نیز فهرست موضوعی منابع آمده است که در صورت مراجعه، به کار پژوهشگران سرعت می‌بخشد.

مدارک مربوط به مباحث مختلف خلیج فارس اعم از سیاسی، اقتصادی، نظامی، تاریخی، جغرافیایی، اجتماعی، فرهنگی، حقوقی، کشتیرانی و سایر مباحث علمی منطقه به طور عام و نیز مسائل کشورهای همسایهٔ آن به طور خاص، به زبان فارسی و عربی، می‌باشد. به عبارت دیگر، در این کتابشناسی منابع واسناد و مدارک مربوط به کلیهٔ مسائل خلیج فارس در زمینه‌های مختلف گردآوری شده است.

این کتابشناسی شامل مشخصات حدود ۴۷۵ کتاب فارسی، ۶۰۰ کتاب عربی، ۱۳۰ رسالهٔ تحصیلی فارسی و عربی، ۲۲۵۰ مقاله، گزارش علمی و اداری، سند و مدرک، جزوه‌های درسی، نقشه، سخنرانی، کنفرانس و سمینارهای فارسی و عربی بوده و جمعاً شامل ۳۴۵۵ منبع اصلی می‌باشد که به صورت موضوعی و با توجه به تنوع مسائل منطقه طبقه‌بندی شده‌اند. در این کتابشناسی دورهٔ تاریخ نشر منابع گردآوری شده از آغاز نشر تا پایان سال ۱۳۶۷ را دربرمی‌گیرد.

## سازمان ملل متحد: مسئولیت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی\*

خاصهٔ آن نوعی مناسبات سیاسی در روابط بین‌المللی بود، بر مجموعهٔ واحدهای جغرافیایی-قومی جهان حاکم گردانید که در

اکتشافات جغرافیایی، سیاستهای استعماری در قرن پانزدهم، ونوایی‌های علمی و صنعتی در قرن نوزدهم سامان خاصی را که

\* این نوشته، معرفی کتاب سازمان ملل متحد: مسئولیت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی (تألیف ناصر تقی‌عامری) است که توسط دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی منتشر خواهد شد. (جملات داخل گیومه، از متن کتاب نقل شده است.)

نتیجه موجب ایجاد نظام جدیدی در روابط بین‌المللی گردید؛ اینچنین سامانی بس محدود بود و به تجارت و امنیت کشورها ارتباط می‌یافت ولی در قرن بیستم اموری در روابط بین‌المللی مطرح شد که دامنهٔ عملکرد نظام بین‌المللی را بسی گسترده کرد؛ «به‌طوری که تکنولوژی، ارتباطات، فرهنگ و ایدئولوژی پهنهٔ وسیعی از مسائل اقتصادی و جنبه‌های سیاسی نظام بین‌المللی را در بر گرفت. چنین روندی، موجب تعارض «منافع ملی» هر یک از واحدهای سیاسی متشکله، بویژه قدرتهای بزرگ این نظام بین‌المللی شد که نهایتاً به وقوع فاجعه‌آمیز جنگهای جهانی اول و دوم انجامید»<sup>\*</sup> و مصیبت‌های جانگدازی را برای جامعهٔ بشری پدید آورد، و همین تجربیات دردناک جنگ جهانی و آسیب‌های وارده در این جنگ بود که «اندیشهٔ تأسیس یک نهاد بین‌المللی را برای حفظ و حراست از صلح در همان دوران جنگ به‌وجود آورد».

تداوم چنین روند تنش‌آفرینی جنگ، مسابقهٔ تسلیحاتی و پیمانهای نظامی و بلوک‌بندی ایدئولوژیک (کمونیسم و کاپیتالیسم) را تشدید کرد و جهان را به صورت هم‌اوردگاه رقابت‌آمیز دوابرقدرت جهانی در آورد. به‌طوری که خطر وقوع جنگ هسته‌ای عالم‌سوزی جهان را شدیداً تهدید می‌کرد. مهم آنکه همهٔ متابع قدرت مجموعهٔ جهانی به تناسب امکانات اقتصادی و منابع طبیعی و انسانی صرف تولید و انباشت تسلیحات بسیار پیچیده گردید و در نتیجه توان اقتصادی تمامی کشورها به میزان چشمگیری هدر رفت. «ولی پس از گذشت چند دهه عواملی چون تنگناهای اقتصادی ناشی از گسترش پیمانهای نظامی و تولید و انباشت جنگ‌افزارهای پیچیدهٔ جدید برخواسته‌های سیاسی و منافع خاص هر دوابرقدرت تأثیر عمیقی نهاد و موجب شد که هر دوابرقدرت روابط خود را با ضرورت‌های نخواست‌ه هماهنگ کنند که در نتیجه به توافق آنها در فرونشاندن بحرانهای بین‌المللی، از جمله حمایت آنها از تلاش میانجی‌گرانهٔ سازمان ملل متحد در جنگ عراق

نتیجه موجب ایجاد نظام جدیدی در روابط بین‌المللی گردید؛ اینچنین سامانی بس محدود بود و به تجارت و امنیت کشورها ارتباط می‌یافت ولی در قرن بیستم اموری در روابط بین‌المللی مطرح شد که دامنهٔ عملکرد نظام بین‌المللی را بسی گسترده کرد؛ «به‌طوری که تکنولوژی، ارتباطات، فرهنگ و ایدئولوژی پهنهٔ وسیعی از مسائل اقتصادی و جنبه‌های سیاسی نظام بین‌المللی را در بر گرفت. چنین روندی، موجب تعارض «منافع ملی» هر یک از واحدهای سیاسی متشکله، بویژه قدرتهای بزرگ این نظام بین‌المللی شد که نهایتاً به وقوع فاجعه‌آمیز جنگهای جهانی اول و دوم انجامید»<sup>\*</sup> و مصیبت‌های جانگدازی را برای جامعهٔ بشری پدید آورد، و همین تجربیات دردناک جنگ جهانی و آسیب‌های وارده در این جنگ بود که «اندیشهٔ تأسیس یک نهاد بین‌المللی را برای حفظ و حراست از صلح در همان دوران جنگ به‌وجود آورد».

«سازمان ملل متحد در اصل به‌عنوان ابزاری که صلح و امنیت جهان را تأمین می‌کند ایجاد شد» و «تنها سازمان چند جانبه‌ای است که حیطةٔ فعالیت آن به موجب منشور ملل متحد جهانی بوده و قدرت آن ناشی از ارادهٔ کلیهٔ کشورهای مستقل جهان است».

«با وجود آنکه سازمان ملل متحد امروز جزئی لاینفک از نظام بین‌المللی و در حقیقت نهاد محوری سازمانهای بین‌المللی را تشکیل می‌دهد که به مسائل جهانی می‌پردازد» و «در شرایط سیاسی استراتژیک کنونی جهان، تمامی مسائل جهانی به نحوی از انحاء در ارتباط ماهوی با این سازمان

تاکنون پشت سر گذاشته و ایستارها و دیدگاههای قدرتهای بزرگ-آمریکا و شوروی-را نسبت به سازمان مزبور و مشکلات کنونی آن بررسی کرده و سرانجام عوامل تحولات اخیر را به رشته تحریر می کشد و از نظر سیاسی وضعیت این سازمان را در ارتباط با استراتژی جدید قدرتهای بزرگ و «مصلحت گرایی» کشورهای جهان سوم بررسی می نماید. در فصل سوم نویسنده دریافتهای و رهیافتهای خود را در بطن فعالیت های نظری و عملی خویش به دقت مورد بررسی قرار داده و به نقد و بازنگری آنها می نشیند، و لاجرم با استنتاجی منطقی و علمی، افق امیدوارکننده ای را پیش روی خوانندگان ترسیم می کند و در این سیر آفاق و انفس تقویت نقش سازمان ملل را در کشاکشهای جدلی اراده های بین المللی توصیه کرده و در این رهگذر دیدگاههای شرق و غرب را در این زمینه بیان می نماید. نویسنده در یک نتیجه گیری منسجم، تحقق چنین هدفی را «منوط به توافق قدرتهای بزرگ درباره محدودیتی که این قدرتها حاضرند برای اعمال قدرت خود بپذیرند» می انگارد و پس از ارائه اندیشه سیستم جامع صلح و امنیت بین المللی در تقویت سازمان ملل متحد از سوی شوروی-و مخالفت بلوک غرب به سرکردگی آمریکا با پیشنهاد شوروی دایر بر عدم نیاز به تعریف جدیدی از صلح و امنیت بین المللی و همچنین دیدگاه «برابر گرایانه» کشورهای جهان سوم در عرصه بین المللی بر اهمیت نقش این سازمان در امور بین المللی تأکید کرده و آن را «مجمع ارزشمندی برای ارتباط با دنیای خارج» و «منبع و وسیله مهمی برای دریافت

با ایران و خروج نیروهای نظامی شوروی از افغانستان انجامید.» بدین ترتیب دوران تشنج زدایی تازه ای در روابط بین المللی آغاز شد. «تصویب قطعنامه ۵۹۸ در سال ۱۹۸۷ در شورای امنیت سازمان ملل متحد که در حقیقت بیانگر وقوع هماهنگی های جدید در روابط قدرتهای بزرگ در مسائل استراتژیک جهانی و سرآغاز تحولات ژرف و عمده ای در سازمان ملل متحد بود، انگیزه ای شد تا [مؤلف] پژوهش مستقلی را درباره این سازمان بین المللی به عمل آورد.»

در حقیقت کتاب حاضر برآیند تلاشهای تجربی و ذهنی مؤلف در امر سازمان ملل متحد، امنیت بین المللی و یا حل معمای «بودن و نبودن» از دیدگاه فلسفه استراتژیک امروز جهانی است.

از آنجا که حفظ صلح و امنیت بین المللی، هدف اصلی سازمان ملل متحد، منشور را تشکیل می دهد و «مفهوم امنیت بین المللی با توجه به توانایی های نظامی و قدرت اقتصادی، تحولات تکنولوژیکی و پیشرفتهای صنعتی پیچیدگی خاص یافته»، از این رو نویسنده نخست به شرح ساختار سازمان ملل متحد در فصل اول مبادرت می ورزد. در این فصل نویسنده «بافت تشکیلاتی»، «منشور»، «شورای امنیت»، «حق وتو»، و «نیروهای حافظ صلح و خلع سلاح» را با بیانی دقیق و بنا بر شیوه تحلیل ساختاری و تکوینی به طور سیستماتیک ریشه یابی و توصیف می کند و جای جای عملکرد آنها را شرح می دهد. و در فصل دوم با مقایسه منطقی و تطبیقی، مراحل را که سازمان ملل متحد

می‌رسد این است که یکی از عوامل مهم در عدم موفقیت سازمان ملل متحد در ارتباط با صلح و امنیت بین‌المللی و یا بهزیستی جامعه بشری در واقع ناشی از واقعیت‌های موجود در عرصه زندگی جامعه جهانی است که در آن «سیاست قدرت» بشدت حاکم است «ولی روند بهبود تدریجی روابط بین دوا بر قدرت—شوروی و آمریکا از سال ۱۹۸۷ و به عبارت دیگر طلوع دومین دوران تشنج‌زدایی در روابط آنها و در بُعدی وسیعتر، بحران‌زدایی در سطح بین‌المللی، مسلماً تأثیر مثبت بر کارایی این سازمان و زدایش بحران‌های جهانی خواهد داشت».

احمد خوئی

کمک‌های فنی و اقتصادی» برای کشورهای در حال توسعه می‌داند.

مسائل کنونی و آینده جهان در ارتباط با سازمان ملل متحد در عرصه بررسی‌های این کتاب، جایگاه والایی را احراز کرده است و نویسنده کوشیده است تا با استفاده از منابع جدید و معتبر، فراگردهای سیاسی—نظامی (جنگ)، هزینه‌های نظامی و تأثیر روند تسلیحاتی در جهان را بر کشورهای جهان سوم به تفصیل و به روال علمی شرح دهد. مهم آنکه، جنبه‌های سیاسی و حقوقی، انتقال تکنولوژی، مسائل اجتماعی، محیط‌زیست و بهداشت را بررسی کرده و سرانجام در نتیجه‌گیری کتاب که جان کلام و عصاره مطلب بیان می‌شود، در می‌یابیم: «آنچه مسلم به نظر

## قدرت و عدالت در روابط بین‌الملل

Coulombis, Theodor A., and James H. Wolfe. *Introduction to International Relations: Power and Justice*. New Delhi: Prentice-Hall of India Private Ltd., 1981.

نیز بخشی از هدف آنها نزدیک کردن آموزش دهندگان و پژوهشگران به یکدیگر است. اگرچه ممکن است برخی از افرادی که در هریک از دو سوی این پل براحتمی تکیه کرده‌اند مایل نباشند به یکدیگر نزدیک شوند.

بنابه گفته نویسندگان این اثر، در این متن سعی شده است تا بهترین سمتگیری‌های رفتارگرا (علمی) و سنت‌گرا در رشته روابط بین‌الملل به هم آمیخته شده و بحث میان طرفداران واقع‌گرایی و آرمان‌گرایی مجدداً

یکی از مشخصه‌های تنش مجدد میان شرق و غرب و ظهور دوران دوم جنگ سرد توجه مجدد به نقش قدرت در روابط بین‌الملل بود که در نوشته‌های مربوط به سیاست بین‌الملل نیز بازتاب یافت. در این مورد برای مثال می‌توان به کتاب مقدمه‌ای بر روابط بین‌الملل: قدرت و عدالت اشاره کرد.

نویسندگان این کتاب چنین اظهار می‌دارند که قصد آنها از تهیه این نوشته پل زدن بر شکافی است که در مطالعه روابط بین‌الملل میان آموزش و پژوهش ایجاد شده، و

«سیاست چیست»، و «نظریه‌ها و نظریه‌پردازی در روابط بین‌الملل»، بخش دوم که با عنوان بازیگران ملی «ایستارها، منافع و سیاستهای آنها» آغاز می‌شود، فصلهای چهارم تا هفتم را دربردارد و عناوین آنها عبارتند از: «دولت ملی و ملی‌گرایی»، «قدرت و توانایی‌های دولت ملی»، «منافع ملی و دیگر منافع»، و «سیاستهای خارجی و روندهای تصمیم‌گیری در دولت‌های ملی». بخش سوم تحت عنوان «روندهای سیاست بین‌المللی: بازیگران متمدن در نظامی بدوی» به رشته‌تحریر درآمده است. فصول هشتم تا دوازدهم را تحت عناوین «دیپلماسی»، «جنگ سیاسی و فعالیت‌های اطلاعاتی»، «جنگ و علل آن»، «شیوه و سطوح جنگ»، و «کنترل برخورد در نظام بین‌المللی» شامل می‌شود. «نهادهای اصلی نظام بین‌المللی» عنوان بخش چهارم است و فصول چهاردهم تا هفدهم را شامل می‌شود که عناوین آنها به ترتیب عبارتند از: «حقوق بین‌الملل: واقعیت یا تخیل»، «تجارب عظیم در سازمان جهانی»، «نظریه و عملکرد کارکردگرایی و ادغام منطقه‌ای»، و «اقتصاد بین‌الملل گسترش شبکه سیاسی». بخش پنجم که به بررسی «نظام بین‌المللی در حال تحول» اختصاص دارد، سه فصل آخر کتاب را با عناوین «شکاف میان غنی و فقیر: ارزیابی مجدد معنی و روند «توسعه»»، «بازیگران جدید و دور از نظر در روابط نظام بین‌المللی»، و «چالش‌های موجود برای بشر» را دربرمی‌گیرد.

مطرح گردد. و نیز سعی شده است میان سیاستهای داخلی و خارجی و کارکرد همه‌جانبه نظام بین‌المللی پیوندی ایجاد شود. زیرا نویسندگان اعتماد دارند در کل سیاست اعم از داخلی و بین‌المللی، وحدتی اساسی وجود دارد و هر نوع تقسیم سیاست به دو سطح، عملی از روی طبع، مصنوعی و مخرب است. آنها سعی در پوشاندن شکاف موجود میان ایدئولوژی‌های کاملاً مشخص مانند کمونیسم، سرمایه‌داری و شکل‌های مختلف استبداد فاشیستی ندارند، بلکه تنها تلاش می‌کنند هر یک از این ایدئولوژی‌ها را آن‌گونه که بر عملکرد سیاست بین‌الملل، و نه محتوای آن، اثر می‌گذارد معرفی نمایند. نویسندگان کتاب اعتقاد دارند که تفاوت‌های ایدئولوژیک بتدریج کاستی می‌یابند و با توجه به رشد و آثار جنبی زیانبار آن برای جوامع، در اکثر ملتها مداخله حکومت در جهت تنظیم امور جامعه و حفظ آن روبه افزایش است. سرانجام مؤلفان مزبور براین باورند که نهادهای مؤثر محلی، ملی، منطقه‌ای، و جهانی در آینده بشریت نقش مهمی داشته و انسانها می‌توانند با حل و رفع مسالمت‌آمیز اختلافات، جنگ را از میان بردارند.

کتاب روابط بین‌الملل: قدرت و عدالت شامل بیست فصل است که در پنج بخش تنظیم شده است. بخش نخست با عنوان «روابط بین‌الملل به مثابه یک نظام» سه فصل اول کتاب را دربرمی‌گیرد. عناوین این فصول عبارتند از: «مطالعه روابط بین‌الملل»،



## نابرابری بین‌المللی

Kubálková, V. and A.A. Cruickshank. *International Inequality*. London: Croom Helm, 1981. 293 P.

آنها با برداشتهای مختلف چنان است که هیچ‌یک را پست‌تر از دیگری نمی‌انگارند و طرفداران هیچ‌یک از آنها را نیز جاهل نمی‌پندارند. اهمیت بالقوه یا واقعی این برداشتها در زمینه مسائل جهانی، آنها را فراتر از چنین ارزش‌گذاری قرار می‌دهد. بی‌تردید منشأ دگرگونی در ساختار کنونی جهان اجماع نظری است که در کشورهای چین، شوروی، جهان سوم و همین‌طور در غرب رخ خواهد داد. به همین دلیل بررسی نظر طرفداران نظریات مختلف ضروری به نظر می‌رسد.

نویسندگان کتاب نابرابری بین‌المللی سعی دارند در هفت فصل به ادعاهای خود جامه عمل بپوشانند. عناوین فصلها به قرار زیرند:

«مقدمه: فکر برابری در سیاست بین‌الملل»، «پیشینه تاریخی و فکری»، «جهان سوم: وابستگی و نظم جدید اقتصادی بین‌المللی»، «اتحاد شوروی: نمونه فرد اعلای وابستگی نظریه و عمل؟»، «مارکسیسم-لنینیسم چینی و اندیشه نابرابری»، «پاسخهای غرب»، و بالاخره فصل هفتم که به نتیجه‌گیری کل مطالب کتاب اختصاص داده شده است.

بحران اقتصادی در کشورهای صنعتی و شکست سیاستهای مربوط به توسعه در جهان سوم این گرایش را در میان عده‌ای از متخصصان روابط بین‌الملل تقویت کرده است که نظریه‌های مختلف ارائه شده هیچ‌یک بر دیگری برتری ندارند و مطالعه و درک همه آنها توأم با یکدیگر شاید بتواند چاره‌ای فراهم آورد. در این زمینه می‌توان برای نمونه به کتاب نابرابری بین‌المللی اشاره کرد.

نویسندگان کتاب اظهار می‌دارند که نوشته آنان برای رفع نیازهای کسانی به رشته تحریر درآمده است که علاقه دارند درباره مسائل بین‌المللی و ریشه‌های آن بیندیشند و برای سهولت کار اشخاص غیر حرفه‌ای و دانشجویان حوزه وسیعی را دربر می‌گیرد. بنابراین در مطالعه موضوع برداشتی چندجانبه، اگر نه چند رشته‌ای، مورد نظر است و در تأکید بر مطالب و انتخاب زمینه‌های مطالعه تا حدی مطابق سلیقه شخصی عمل شده است. به هر حال هدف در نهایت ارائه تصویری مرکب و همه‌جانبه از مسائلی است که تا حدی بیش از مسائل دیگر نیاز به بررسی دارند.

نویسندگان تأکید می‌ورزند که برخورد

## توجه مجدد به نظریه پردازی در سیاست بین المللی

Russett, B, and Harvey Starr. *World Politics: The Menu for Choice*. 2nd ed. New York: W.H. Freeman and Company, 1985, p.

در این کتاب قدر مشترکی از نظریه‌ها، روشها و محتوای سیاست بین الملل به دانشجویان مبتدی و نسبتاً پیشرفته ارائه می‌شود. نویسندگان کتاب به شیوه‌ای فراگیر و از راه پیوند «بهترین» نظریه‌های قدیم و جدید سعی در تثبیت انقلاب یاد شده در زمینه مطالعه سیاست جهان دارند.

در درجه نخست تلاش شده است که با استفاده از منابع قدیم و جدید اجزای اساسی یک نظریه فراهم آید. در درجه دوم تعداد قابل توجهی از واقعیت‌های تاریخی و معاصر جهان گردآوری شده است. البته برای مطالعه در این قبیل مسائل اطلاع کافی در زمینه تاریخ و نظامهای معاصر نقشی اساسی دارد. به علاوه تثبیت انقلاب یاد شده توجه به مسائلی ارزشی از قبیل این که جهان چگونه باید باشد، را لازم می‌گرداند. بدین ترتیب نتیجه می‌گیریم آنچه امروزه آموزش داده می‌شود از نظر محتوا با دروس یک یا دو دهه پیش تفاوت بسیار دارد. در کتاب حاضر سعی شده است تا میان مسائل امنیتی با اقتصاد سیاسی بین المللی پیوند برقرار کرده و چگونگی ارتباط این دو با یکدیگر نیز نشان داده شود. علاوه بر این کوشش به عمل آمده است که پیوند جدایی ناپذیری میان نیازهای مربوط به رشد، برابری، آزادی سیاسی و صلح برقرار گردد.

از اوایل دهه ۱۹۸۰ توجه به نظریه برای تبیین رویدادهای بین المللی بار دیگر افزایش یافت. علت این امر آن است که ثبات نسبی دوران تشنج زدایی از میان رفت و جنگ سرد دوم، که از میانه‌های دهه ۱۹۷۰ وقوع آن پیش بینی می‌شد، روابط میان شرق و غرب را مجدداً تیره ساخت، سیاستهای توسعه اقتصادی در کشورهای جهان سوم با شکست روبه رو گردید، و بحران اقتصادی به اکثر کشورهای صنعتی ضربه وارد کرد. این مسائل بار دیگر توجه بخشهای وسیعی از افکار عمومی جهان را به خود جلب کرد. در نتیجه کتابهای زیادی در زمینه تبیین و توضیح سیاست بین الملل به رشته تحریر درآمد که در این میان می‌توان به کتاب سیاست جهان: فهرستی برای انتخاب اشاره کرد. امروزه بسیاری از پژوهشگران یا آموزش دهندگان سیاست جهان، بر این عقیده‌اند که در این زمینه انقلابی رخ داده است. به طوری که می‌توان گفت شیوه تفکر درباره این موضوع دگرگون شده و معیارهای مربوط به منطق، و شکل گیری مفاهیم آن بوضوح با گذشته تفاوت پیدا کرده است. اگر قرار بر تثبیت این انقلاب باشد، برای تربیت نسل آینده به تمرین و ابزارهای آموزشی ویژه‌ای نیاز است. کتاب سیاست جهان چنین هدفی را دنبال می‌کند.

تحلیل قدرت» و سپس «ابزارهای نافذ بر این روابط» مورد توجه قرار می‌گیرد. نویسنده در سه فصل بعد (فصلهای هشتم تا دهم) تحت این عناوین: «آیا انواع مختلف کشورها سیاستهای خارجی گوناگونی دارند؟»، «اقتصاد و جامعه»، و «ساختار حکومت و نقش افکار عمومی»، به بررسی محدودیتهای داخلی می‌پردازد. در فصل یازدهم، «مسئله برقراری رابطه و تصمیم‌گیری» و در آخرین فصل بخش نخست، فصل دوازدهم، «رابطه فرد و سیاست جهان» بررسی شده است.

در بخش دوم، (فصلهای سیزدهم تا نوزدهم)، «مسائل معاصر و آینده جهان» مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. در این بخش مطالب مطرح شده در بخش قبل، در زمینه سطوح تحلیل، در مورد مسائل خاص به کار گرفته شده و عناوین مورد بررسی در این بخش به ترتیب عبارتند از: «مسابقه تسلیحاتی»، «بازدارندگی و کنترل تسلیحات»، «نظریه‌هایی در زمینه وابستگی کشورهای فقیر به کشورهای غنی»، «بدیل‌های ممکن برای استقلال»، «آثار وابستگی متقابل در میان کشورهای صنعتی»، «مسائل مربوط به دسترسی به میراث مشترک بشریت در چارچوب مسائل محیط زیست جهانی»، و سرانجام «خواسته‌های مربوط به رشد مداوم در جهانی که با منابع محدود و فشارهای جمعیتی روبه‌روست».

در فصل سیزدهم «برخورد و همکاری در زمینه مسابقه تسلیحاتی» بررسی می‌شود و بحث فصل چهاردهم به «بازدارندگی و کنترل تسلیحات» اختصاص دارد. پس از بررسی

کتاب سیاست جهان: فهرستی برای انتخاب دو بخش اصلی دارد. در بخش نخست که دوازده فصل اول کتاب را شامل می‌شود ابعاد تحلیل سیاست بین‌الملل مورد بررسی قرار گرفته است. در این بخش شیوه جدید مطالعه سیاست جهان مطرح شده و شش سطح تحلیل ارائه گردیده است که عبارتند از «نظام جهانی»، «روابط میان دولت‌ها»، «سطح اجتماع»، «سطح حکومت»، «نقشها»، و «فرد به عنوان بازیگر». عنوان فرعی کتاب یعنی فهرستی برای انتخاب نشان می‌دهد که نویسندگان کتاب معتقدند به خاطر فهرست نسبتاً محدودی که شرایط جهانی به وجود می‌آورد، امکانات تصمیم‌گیرندگان نیز برای گزینش محدود است. در این کتاب نشان داده می‌شود که چگونه عوامل مؤثر در سطوح مختلف بر روند یا عمل انتخاب تأثیر می‌گذارند.

در فصلهای اول و دوم این کتاب طی بحثهایی در مورد «تحلیل سیاست جهان» و «سطوح تحلیل و محدودیت در این زمینه»، چگونگی بررسی و تحلیل یک مسئله نیز مورد توجه قرار می‌گیرد. در فصل سوم توجه نویسنده به «بازیگران بین‌المللی»، یعنی دولت‌ها و دیگر بازیگران در سطح جهانی معطوف است. طی فصلهای چهارم و پنجم در جریان بحث درباره «نظام جهانی»، ابتدا این مسئله بررسی می‌شود که چگونه نظام مزبور رفتار را محدود می‌سازد. آنگاه «ساختار نظام»، «قطبی بودن آن» و «مسئله جنگ» مورد توجه قرار می‌گیرد. در دو فصل ششم و هفتم، که به بررسی «روابط میان دولت‌ها» اختصاص دارد، نخست «مبانی و

نوزدهم مسئله «مقابله با محدودیتهای رشد در نظام جهانی» مورد بررسی قرار گرفته است. به دنبال فصلهای نوزده گانه کتاب، دو ضمیمه که به ترتیب به «تقویم تاریخ حوادث بین المللی»، و «خصوصیات دولت در نظام بین المللی معاصر» مربوط می شود، آمده است.

«علل وجود صلح در میان کشورهای صنعتی» طی فصل پانزدهم، نویسنده در فصل شانزدهم «وابستگی کشورهای کمتر توسعه یافته» و در فصل هفدهم «برخی بدیل‌های ممکن برای وابستگی» را مورد توجه قرار داده است. فصل هجدهم به بحث «دستیابی به نظم و همکاری در نظام جهانی» اختصاص دارد و طی فصل

## استفاده از مفاهیم دیگر رشته های علوم اجتماعی در روابط بین الملل

Merle, Marcel. *The Sociology of International Relations*. Great Britain: Bery Publishers Ltd., 1987.

زمینه‌هایی از پژوهش، که در گذشته مدنظر نبود، درک ما را از روابط بین المللی بهبود بخشیده‌اند.

از جمله کتبی که با استفاده از مفاهیم دیگر رشته‌های علوم اجتماعی تدوین شده، کتاب جامعه‌شناسی روابط بین الملل است. مؤلف کتاب، که البته جامعه‌شناس حرفه‌ای نیست، در توجیه اقدام خود اظهار می‌دارد که شکاف موجود در مطالعه روابط بین الملل را باید با به کار گرفتن داده‌ها و مفاهیم جامعه‌شناسی پر کرد. دیدگاه جامعه‌شناسانه پرتوافکنی جدید بر مطالعه روابط بین الملل کمک کرده و ویژگی‌های خاصی را مشخص می‌سازد که متخصصان دیگر با آنها رویه‌رو نشده‌اند. به علاوه درک این مسئله که علم جامعه‌شناسی، که به بررسی مسائل اجتماع می‌پردازد باید در چارچوب جامعه ملی باقی بماند و برای درک روابط اجتماعی در سطح

یکی از شیوه‌های مطالعه روابط بین الملل به کارگیری مفاهیم و بینشهای رشته‌های گوناگون علوم اجتماعی و انسانی است. تا حدود پنجاه سال پیش تاریخ‌نگاران، حقوق‌دانان، محققین علوم سیاسی و جغرفیدانان رشته روابط بین الملل را در انحصار خود قرار داده بودند و شاید بتوان گفت که مخاطبین این رشته را نیز افراد منتخبی تشکیل می‌دادند. از آن زمان تاکنون وضع به طور قابل ملاحظه‌ای دگرگون شده است. بحران اقتصادی کشورهای صنعتی، شکست سیاستهای توسعه جهان سوم و تجدید تنشهای میان شرق و غرب از طرفی مطالعه روابط بین الملل را از انحصار گروههای نامبرده خارج ساخته و از طرف دیگر توجه اکثر مردم جهان را به خود جلب نموده است. امروزه مردم‌شناسان، اقتصاددانان، روان‌شناسان و جامعه‌شناسان با به کارگیری تخصصهای خود در مسائل مشترک یا گشودن

جهانی از محدودهٔ مرزهای ملی فراتر نرود، چندان آسان نیست. برعکس برای مبادرت به «سفر اکتشافی» در حوزهٔ روابط بین‌الملل می‌توان به تجدیدنظر در مجموعهٔ موضوعات و مسائل مورد توجه «جامعه‌شناسی»، که تا مدت‌ها محدود به مطالعهٔ مسائل خاص بوده و هنوز هم کم‌وبیش چنین است، پرداخت.

به نظر می‌رسد اگر داده‌ها و مفاهیم جامعه‌شناسی در مطالعهٔ این روابط با دقت لازم و تعدیلهایی که آنها را با روابط بین‌الملل متناسب می‌گرداند به کار گرفته شود، می‌تواند در نظم بخشیدن به انبوه پیچیدهٔ حوادث و پدیدارهای بین‌المللی، که به علت انتزاع بدرستی از یکدیگر تمیز داده نمی‌شوند و نهایتاً تصویر روشنی از روابط بین‌الملل به دست نمی‌دهند، مفید واقع شود. البته در انجام چنین کاری توجه به دو نکته حائز اهمیت است. نکتهٔ اول اینکه پیشرفت از یک رشتهٔ مطالعاتی تنها می‌تواند با برقراری ارتباط دائم میان تحقیق تجربی و نظریه‌پردازی عملی شود، در حالی که تحقیق تجربی واقعیت‌های لازم برای اندیشیدن و نظریه‌پردازی را فراهم می‌آورد و نظریه نیز خود خطوط اصلی و محدوده‌ای را مشخص می‌سازد که تحقیق تجربی بر آن اساس صورت می‌گیرد. و نکتهٔ دوم اینکه اکنون زمان آن رسیده است که میان آن دسته از رشته‌های تخصصی که دربارهٔ یکدیگر اندک اطلاعاتی دارند ارتباط برقرار شود. بدین ترتیب این دو نکته محدودهٔ مطالعاتی کتاب جامعه‌شناسی روابط بین‌الملل را مشخص ساخته و از طرفی دامنهٔ کار نویسنده را نیز مشخص خواهند کرد.

در کتاب حاضر شرح وقایع، کاری که وقایع‌نگاران آگاه از حواث بخوبی آن را انجام می‌دهند، صورت نمی‌گیرد. این کتاب جنبهٔ توصیفی نداشته و در آن، برای مثال، ترتیبات نهادی، بحرانها یا توازن قوا تشریح نمی‌شود. به علاوه مطالب کتاب به مسائل معاصران دربارهٔ آیندهٔ جهان پاسخ صریحی ارائه نمی‌دهد، بلکه بیشتر تکیه بر تحلیل و سنتز است، یعنی تحلیل ماهیت روابط بین‌الملل در نمودهای مختلف آن و سنتزی از عملکرد این نظام به مثابه یک جریان خاص تحول اجتماعی؛ زیرا گرچه واقعیت دارد که روابط بین‌الملل ویژگی‌های مشخصی از خود بروز می‌دهد، اما روابط مزبور محدوده‌ای را به وجود آورده است که امروزه اکثر پدیدارهای اجتماعی را شامل می‌شود. رویدادهای «داخلی» و «خارجی»، گرچه یک چیز واحد نیستند اما امروزه به حدی درهم آمیخته‌اند که در فصل مشترک امور داخلی و خارجی حوزهٔ خاصی را ایجاد کرده‌اند که در آن حوزه تغییرات مهمی در حال وقوع است. تنها یک دیدگاه جامعه‌شناختی به ما اجازه می‌دهد سیاهه‌ای از بیشترین پدیدارها را فراهم آورده، مهمترین آنها را جدا کنیم و در جایی که آیندهٔ جامعهٔ بشری مدنظر است، مفهوم تأثیر متقابل را درک نماییم.

مطالب کتاب جامعه‌شناسی روابط

بین‌الملل به چهار بخش تقسیم می‌شود. بخش اول که به مبحث «مطالعهٔ روابط بین‌الملل» اختصاص دارد از دو فصل تشکیل شده است؛ در فصل اول دیدگاه‌های مختلف و برداشتهای اخلاقیون، متفکران سیاسی، حقوقدانان،

در بخش سوم که به بحث دربارهٔ بازیگران پرداخته، از دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی دولتی و نیروهای فراملی صحبت شده است و نهایتاً نویسنده در بخش چهارم، که به بحث دربارهٔ نظام بین‌المللی اختصاص دارد، به مسائلی از قبیل خاص بودن نظام بین‌المللی و طرز عمل این نظام پرداخته است.

فیلسوفان، اقتصاددانان، و علم‌گرایان مورد مطالعه قرار گرفته است و در فصل دوم نویسنده روش‌های مبتنی بر مشاهده و تفسیر در مطالعهٔ روابط بین‌الملل را مورد بررسی قرار داده است. در بخش دوم که به بررسی محیط بین‌المللی اختصاص دارد، سرزمین، جمعیت، پیشرفت فنی، منابع، و عوامل مؤثر در آنها بررسی شده و

## مقدمه‌ای بر تحلیل سیاست خارجی

Charke, M.; B. Wihte, eds. *An Introduction to Foreign Policy Analysis*. Lancashire, Great Britain: G.H.&A. Hesketh, 1981, 120 p.

جاری میان دولت‌ها. عده‌ای نیز از دیدگاه روابط بین‌الملل به سیاست خارجی نگریسته و آن را به صورت فعالیتی که روابط میان دولت‌ها را شکل می‌بخشد مطالعه کرده‌اند. اما سیاست خارجی امروزه به طور غیر فزاینده‌ای از تاریخ دیپلماسی، رویدادهای جاری میان دولت‌ها و روابط بین‌الملل متمایز می‌گردد و مطالعهٔ آن در چارچوب‌های اشاره شده کافی نیست. تحلیل هرچه دقیقتر سیاست خارجی، استفاده از یافته‌های تاریخی، جغرافیایی و زمینه‌های گوناگون علوم اجتماعی بویژه سیاست جامعه‌شناسی و روان‌شناسی را طلب می‌کند. انتظار می‌رود کتابی که در آن سیاست خارجی با این ترتیب مورد تحلیل قرار می‌گیرد، موضوعات زیادی را شامل شود در حالی که کتابی که اکنون به معرفی آن پرداخته‌ایم، همان‌طور که از نام آن نیز استنباط می‌شود، تنها مقدمهٔ فشرده‌ای در جهت تحلیل سیاست خارجی است. بنابراین

سیاست خارجی به قدمت نخستین روابط میان جوامع اولیه است و از زمان پدیدار شدن نظام دولتهای اروپایی در سدهٔ هفدهم به صورت امروزی وجود داشته است. سیاست خارجی همواره امری پیچیده بوده و خواهد بود. زیرا عوامل متعددی در جریان شکل‌گیری این سیاست دخالت دارند که افزایش تعداد دولتها و نظامهای سیاسی و عقیدتی بر تنوع آنها می‌افزاید. به علاوه با افزایش تعداد دولتها کار مشکلتر خواهد شد چرا که باید سیاستهای خارجی بیشتری مورد مطالعه قرار گیرند. بنابراین برای سهولت امر و درک بهتر سیاستهای خارجی گوناگون بهتر است آنها را بر اساس مفاهیمی کلی مورد تجزیه و تحلیل قرار داد.

سیاست خارجی تاکنون به شیوه‌های مختلف مورد مطالعه قرار گرفته است. گاه آن را در چارچوب تاریخ دیپلماسی مطالعه کرده‌اند و زمانی در قالب رویدادها و امور

نظامهای سیاست خارجی متعددی در جهان وجود دارند که هر یک به رفتار خاصی در این زمینه شکل می‌دهند.

در سه فصل بخش دوم کتاب جنبه‌های کاربردی رهیافتی که سیاست خارجی را به مثابه یک نظام می‌نگرد مورد مطالعه قرار گرفته است. در فصل چهارم یا فصل اول از بخش دوم نشان داده می‌شود که چگونه جنبه‌های مختلف تحلیل سیاست خارجی می‌تواند برای مقایسه سیاستهای خارجی نظامهای گوناگون به کار گرفته شود. در فصل پنجم قابلیت‌های کاربردی سیاستهای دیوانسالارانه، که نوعاً دارای مسائل مشترک همه نظامهای سیاسی خارجی است، بررسی شده و طی فصل ششم یا فصل آخر، کاربردهای این نوع تحلیل سیاست خارجی برای محیط بین‌المللی کنونی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

فصول ششگانه کتاب مورد بحث را نویسندگان مختلف به صورت مقاله‌های جدا از هم نگاشته‌اند اما مطالب آنها به گونه‌ای با هم پیوند دارد که در مجموع کل یکپارچه‌ای را تشکیل می‌دهند و این هماهنگی به دلیل آن است که هر نویسنده طی نشستهای متعددی که در آنها پیش‌نویس فصول دیگر مورد بحث و توضیح قرار گرفته، در مورد آنها به طور جامع نظر داده است.

متوجه می‌شویم که تدوین‌کنندگان این اثر در نظر ندارند نوشته‌های گوناگون مربوط به تحلیل سیاست خارجی را بررسی کنند، بلکه مباحث مورد بررسی آنها بیشتر به صورت نقدی در مورد مهمترین رهیافتهای موجود برای تحلیل این سیاست است. نویسندگان کتاب سعی دارند نظام سیاست خارجی را بر مفاهیمی استوار سازند که راهگشای سنجش و تحلیل موضوع باشد. مخاطبین کتاب دانشجویانی هستند که گرچه ممکن است از پیش با خطوط کلی مباحث روابط بین‌الملل آشنایی داشته باشند، اما مطالعه در زمینه تحلیل سیاست خارجی را تازه آغاز کرده‌اند.

بحثهای کتاب به دو بخش تقسیم می‌شود. نویسنده سعی کرده است. در سه فصل بخش نخست خطوط و جنبه‌های اصلی تحلیلی سیاست خارجی را برای خواننده مشخص کند. در فصل نخست اصطلاحهای مربوط به تحلیل سیاست خارجی تعریف و تأثیر نظریه‌های مربوط به تصمیم‌گیری بر این تحلیل بررسی شده است. در فصل دوم با مشخص کردن تصمیم‌گیری به عنوان یک نظام در سیاست خارجی، این موضوع نیز مورد بحث قرار می‌گیرد که تحلیل تصمیم‌گیری چگونه می‌تواند به کار گرفته شود. طی فصل سوم برخی از مهمترین کاربردهای نظریه تصمیم‌گیری در سیاست خارجی و سیاست بین‌المللی مورد بررسی قرار گیرد؛ زیرا

## اسلام در روند سیاسی

Piscatori, James P. ed. *Islam in the Political Process*. London: Cambridge University Press, 1986. 240P.

به چگونگی اهمیت سیاسی اسلام، که پرسشی اساسی است، پاسخ دهد. در پاسخ به این سؤال اولاً تنها معدودی از کشورهای اسلامی مورد بررسی قرار گرفته‌اند؛ ثانیاً بیشتر سیاست داخلی این کشورها مورد توجه بوده و به مسائل بین‌المللی کمتر پرداخته شده است؛ و ثالثاً در این مجموعه از یک ترمینولوژی استاندارد یا از مدلی واحد برای تشریح مطالب تبعیت نشده است زیرا نویسندگان این مجموعه رهیافتها و شیوه‌های خاص خود را در ارائه مطالب اعمال کرده‌اند.

کتاب مشتمل بر یک مقدمه، ده مقاله و نتیجه‌گیری است. مقدمه آن را جیمز پیسکاتوری نوشته است. عنوان مقالات و نویسندگان آن به قرار زیر می‌باشند.

«سایه فاروق: مذهب و قدرت در مصر» (فؤاد عجمی)

«اسلام و سیاست در سودان» (الکساندر اس. کودسی)

«سیاست مبتنی بر ایدئولوژی در عربستان سعودی» (جیمز پیسکاتوری)

«نقش اسلام در سیاست سوریه و عراق» (میخائیل سی. هودسون)

«پیورتانیسم عامه در مقابله با رفورمیسم دولتی: اسلام در الجزایر» (ژان کلود واتن)

«سیاست صوفیگری در سنگال»

این کتاب می‌کوشد نقش اسلام را در روند سیاسی کشورهای مختلف مورد تحلیل قرار دهد. عنوان مزبور خصوصاً پس از سال ۱۹۷۹ سالی که در آن انقلاب ایران به وقوع پیوست، افغانستان مورد تهاجم قرار گرفت و مسجدالحرام در مکه اشغال شد. توجه بسیاری را به خود جلب کرده است. ترور سادات در سال ۱۹۸۱ و زد و خورد سوریه در سال ۱۹۸۲ این توجه را به نقطه اوج خود رساند و احتمالاً تصویری ستیزه‌جو از اسلام به وجود آورد. تصویری که به‌طور طبیعی در ذهن نقش می‌بندد وجود مسلمانان پرهیاهویی است که با تنفر برخاسته از عدالت‌خواهی می‌کوشند تا حکومت کفر را واژگون سازند. بدین ترتیب به‌نظر می‌رسد اسلام به صورت کانون مخالفت‌های سیاسی درآمده است. تاکنون تنها معدودی از مطالعات تجربی از محدوده گمان و کلیات فراتر رفته و به ارزیابی فعالیت کنسونی دنیای اسلام پرداخته‌اند. در میان این مطالعات در مواردی بر توانایی اسلام در زمینه همراهی با تغییرات اجتماعی و گاه حتی تسهیل آنها، و در مواردی بر آثار بیداری مذهبی در جهان اسلام و یا ماهیت این بیداری در میان بخشی از مسلمانان، یعنی اعراب، تأکید بسیار شده است. کتاب حاضر ضمن اینکه به‌طور عمده زمینه‌های مذکور را دربر می‌گیرد، می‌کوشد تا



خارجی: اسلام در سیاست اندونزی»  
 نهایتاً کتاب با یک نتیجه‌گیری به قلم آلبرت  
 حورانی خاتمه می‌یابد.  
 سرانجام باید متذکر شد که این  
 کتاب حاصل کنفرانسی است که در «مؤسسه  
 سلطنتی امور بین‌المللی» لندن تشکیل شده بود  
 و جیمز پیسکاتوری بعد از ویرایش مقالات،  
 آنها را به صورت حاضر ارائه کرده است.

(دونالد کروز اوبراین)  
 — «مذهب در سیاست در ترکیه  
 امروزی» (سریف ماردین)  
 — «ایران: برداشت کلی امام خمینی  
 از «ولایت فقیه» (حمید عنایت)  
 — «سیاست اسلام و اسلامی کردن در  
 پاکستان» (دیوید تیلور)  
 — «ایمان به عنوان پدیده‌ای

## پیروزی متزلزل: اختلافات اعراب و اسرائیل و جنگ سال ۱۹۸۲ در لبنان

Dupuy, Trevor N. and Martell, Paul. *Flawed Victory: The Arab-Israeli Conflict and The 1982 War in Lebanon*. Virginia: Hero books, 1986. 247 P.

سرزمین، به عنوان زمینۀ مصائب سالیان بعد،  
 بررسی شده است. اما آنچه در کانون توجه این  
 کتاب قرار می‌گیرد، جنگ سال ۱۹۸۲ است  
 که در چارچوب اختلافات اعراب و اسرائیل  
 ارزیابی می‌شود. عملیات نظامی این سال،  
 یعنی تجاوز اسرائیل به جنوب لبنان، جنگ در  
 دره بقاع و محاصره بیروت به استناد واقعیات و  
 همراه با نقشه توضیح داده شده است که  
 می‌تواند به درک بهتر عملیات مزبور بسیار  
 کمک نماید.

در این نوشته کوشش شده است تا  
 عملیات چریکهای فلسطینی علیه اسرائیل و  
 پاسخ اسرائیل به آنها و نیز بسیاری از حملات  
 سازمان آزادی‌بخش فلسطین به گونه‌ای کاملاً  
 مستند تشریح گردد و نیز کوشش به عمل آمده  
 است تا نقش سرگرد سعد حدّاد و تشکیلات به

زمانی لبنان را سویس خاورمیانه  
 می‌دانستند و از آن به عنوان کشور دموکراتیک  
 یا جزیره ثبات اقتصادی و پیشرفت اجتماعی و  
 نهایتاً سرزمینی دلپذیر یاد می‌کردند. اما  
 واقعیت این است که از همان سال ۱۹۲۰ که  
 این کشور قدم به عصر جدید گذاشت و حتی  
 قرن‌ها پیش از آن، کشوری فتودالی محسوب  
 می‌شد که اختلافات مذهبی، قومی و محلی آن  
 را چند پاره کرده بود.

کتاب فوق تاریخ لبنان را دنبال کرده  
 و نشان می‌دهد که چگونه این سرزمین در  
 دوران حاضر به صورت میدان جنگ و جلوه‌گاه  
 نفرت در آمده است. به علاوه، اهمیت سرازیر  
 شدن حدود ۴۵۰ هزار فلسطینی به لبنان طی  
 سالهای ۱۹۴۸ و ۱۹۷۲ و همچنین جنگ  
 داخلی و مداخلات خارجی دهه ۱۹۷۰ در این

اسرائیل در لبنان، از مراحل اولیه تا محاصره بیروت، اختصاص دارد. طی بخش سوم که در شش فصل نگاشته شده است از جمله «پیآمدهای تجاوز سال ۱۹۸۲ اسرائیل»، «تلاشهای فیلیپ جیبب (نماینده آمریکا) در لبنان»، «تشکیل نیروی صلح چند ملیتی»، «حمله به نیروهای آمریکایی و فرانسوی و سرانجام خروج این نیروها از لبنان» مورد ارزیابی قرار گرفته است.

این کتاب ضمن کمک به درک بهتر مسئله نشان می‌دهد که حوادث لبنان چگونه می‌توانند بر آینده خاورمیانه اثر بگذارند. سرانجام باید متذکر شد که دویومی یکی از دو مؤلف کتاب، از جمله کارشناسان طراز اول تاریخ نظامی در عصر حاضر به شمار آمده و مارتل مؤلف دیگر نیز از زمره متخصصان مسائل بلوک شرق و تحولات خاورمیانه به حساب می‌آید.

اصطلاح «ارتش لبنان آزاد» او و همچنین وظایف نیروی موقت سازمان ملل متحد در لبنان و نیروی صلح چند ملیتی باز شناخته شود.

مطالب کتاب در سه بخش تنظیم شده است. بخش نخست تحت عنوان «لبنان و اختلافات اعراب و اسرائیل»، طی نه فصل به مسائل «فلسطینیان و سازمان آزادی‌بخش فلسطین در لبنان»، «جنگ داخلی و نقش سوریه در لبنان در سالهای ۷۶-۱۹۷۵»، و «معاهده کمپ دیوید میان مصر و اسرائیل و درگیری‌های جنوب لبنان طی دهه ۱۹۷۰» می‌پردازد. بخش دوم کتاب تجاوز اسرائیل به لبنان را در ژوئن ۱۹۸۲ مشروحاً بررسی کرده و از آن به منزله پنجمین جنگ اعراب و اسرائیل یاد می‌کند. این بخش از کتاب در ده فصل عمده‌تاً به ارزیابی توان نظامی سازمان آزادی‌بخش فلسطین، سوریه و اسرائیل و همچنین تشریح عملیات نظامی سال ۱۹۸۲

## آمریکا و اسرائیل عوامل تعیین کننده داخلی در تعهد در حال تغییر آمریکا

Norik, Nimrod. *The United States and Israel Domestic Determinants of a Changing U.S. Commitment*. Boulder: Westview Press, 1986. 176 P.

با یکدیگر تلاقی کرده و مجموعه‌ای جدید را برای تنظیم سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا به وجود آورند، مجموعه‌ای که با نیازهای اصلی سیاسی، اقتصادی و امنیتی اسرائیل کمتر سازگار است.

کتاب شامل پنج فصل است و با این

هدف کتاب آن است که نشان دهد در مرحله کنونی، موضوع نقش اسرائیل در سیاست خارجی و امنیتی آمریکا با تغییراتی توأم شده که ممکن است برخی عوامل اصلی را که در سیاست آمریکا نقش تعیین کننده دارند، تغییر دهد. روندهای تغییر ممکن است

هدف دنبال شده است. این فصول عبارت‌اند از: ۱. ایستارهای عمومی و اسرائیل؛ ۲. کنگره و اسرائیل؛ ۳. جامعه یهودیان آمریکا؛ ۴. «گروه اکثریت اخلاق‌گرا»<sup>\*</sup> و اسرائیل؛ ۵. اقتصاد و خط‌مشی‌های خارجی و امنیتی آمریکا.

این کتاب نشان می‌دهد در حالی که برخی از تغییرات فوق مستقل از تحولات اختلاف اعراب و اسرائیل در جریان‌اند، برخی دیگر نیز تحت تأثیر رفتار کشورهای منطقه خاورمیانه قرار دارند. بنابراین هدف این کتاب از یک سو ترسیم و تحلیل مجموعه در حال تغییر داخلی برای تنظیم سیاست‌های آمریکا در ارتباط با اسرائیل است و از سوی دیگر نمایان ساختن عواقب سیاسی این تغییرات در کتاب حاضر چهار متغیر مورد بررسی قرار گرفته است. متغیر نخست پیدایی گرایش به راست در سیاست آمریکا می‌باشد که نمود آن تمایل عمومی به تأمین مالی لازم برای گسترش قدرت نظامی این کشور است که خود انحراف از سیاست اتخاذ شده پس از جنگ ویتنام به‌شمار می‌آید. متغیر دوم که در کنگره آمریکا بیش از هر جای دیگر خود را نشان می‌دهد کم‌رنگ شدن تدریجی تعهدات پیشین آمریکا در قبال اسرائیل است، یعنی دین اخلاقی که نسبت به قربانیان کشتار جمعی یهودیان به دست آلمان نازی وجود

داشت. بنابراین وزن تعهدات تاریخی-اخلاقی در تعیین خط‌مشی آمریکا در برابر اسرائیل در میان نسل حاضر از سیاستمداران آمریکایی رو به کاهش است. سومین متغیر که اهمیت بسیار داشته و بر مجموعه داخلی اشاره شده اثر می‌گذارد، با دشواری‌های اقتصاد آمریکا در ارتباط است بخصوص هنگامی که دو بعد از قدرت اقتصادی آمریکا، یعنی احیای توانایی‌های نظامی در بخش سلاح‌های سنتی و برنامه کمک‌های خارجی این کشور زیر فشار قرار می‌گیرند. این دو جنبه در امنیت اسرائیل نقش بسزایی دارند. چهارمین و آخرین متغیر، نمودهای سیاسی دهه «سازمان کشورهای عربی صادرکننده نفت» است. علی‌رغم نشانه‌های آشکار عدم کارایی آن، هنوز تصوّراتی در مورد امکان استفاده از سلاح نفت وجود دارد و تا همین اواخر بسیاری از آمریکایی‌ها تحولات سیاسی خاورمیانه را از این زاویه بررسی می‌کردند. با قبول از میان رفتن احتمالی توانایی کشورهای فوق‌الذکر برای عملی ساختن یک تهدید نفتی، توانایی سیاسی دلارهای نفتی در نفوذگذاری بر رفتار سیاسی آمریکا افزایش یافته است. یکی از جلوه‌های این واقعیت جدید به‌وجود آمدن رقابت شدید با محافل صاحب نفوذ در سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا، یعنی محافل طرفدار اسرائیل می‌باشد.

\* Falwell که گروه اکثریت اخلاق‌گرایان (Morale Majority) را در سال ۱۹۷۸ با هدف احیای ارزش‌های اخلاقی و مذهبی بنا نهاده بود، در ماه ژوئن ۱۹۸۹ با تأکید بر این نکته که گروه به اهداف خود دست یافته است اعلام انحلال نمود. برای اطلاع بیشتر در مورد گروه اکثریت اخلاق‌گرا رجوع کنید به: Mathew, Moen. *The Christian Right*. University of Alabama Press, 1989.

## تجارت خارجی و توسعه اقتصادی کویت از سال ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۱

محمد ابراهیم الشیخ حمد. التجارة الخارجية والتنمية الاقتصادية في الكويت للفترة ۱۹۷۰-۱۹۸۱. کویت: شرکت الوبیعان، ۱۹۸۸.

خارجی در توسعه اقتصادی و مباحثی در مورد نرخ مبادله آمده است. نکته جالب این فصل آن است که نویسنده این فرضیه را که «نرخ مبادله در سطح جهانی در جهت منافع کشورهای صنعتی و به ضرر کشورهای صادرکننده مواد اولیه و در حال تغییر است» پذیرفته و می‌گوید:

«معمولاً برای اثبات فرضیه زیان مستمر کشورهای صادرکننده مواد اولیه به دو عامل اساسی اشاره شده است:

۱. تکنولوژی

۲. قانون اینگل

براساس عامل اول [تکنولوژی] گفته می‌شود که پیشرفت تکنولوژی در کشورهای پیشرفته اولاً سبب تولید محصولات پیچیده‌تر که نیاز کمتری به مواد اولیه دارند، خواهد شد و ثانیاً اختراع مواد مصنوعی و جایگزین، نیاز به مواد اولیه را کمتر خواهد کرد و در این زمینه برای مثال منجر به اختراع نخهای نایلونی شده که از آن به‌جای پنبه و پشم استفاده خواهد شد.

در مورد عامل دوم [قانون اینگل] می‌گویند که براساس این قانون تقاضای جهانی در مورد کالاهای اولیه در بلند مدت رو به کاهش می‌گذارد.

در این کتاب سعی شده است که نقش تجارت خارجی در رشد اقتصادی کویت تشریح شده و ماهیت روابط اقتصادی کشور مزبور با کشورهای در حال رشد و پیشرفته صنعتی بیان گردد. در این زمینه اهمیت درآمد نفت در حساب تراز پرداختها و بودجه عمومی دولت نیز تبیین شده است.

کتاب حاضر در یک مقدمه و سه فصل تنظیم شده است. در مقدمه مؤلف به بیان اهمیت و نقش بخش تجارت، خصوصاً بازرگانی خارجی در اقتصاد و توسعه اقتصادی کویت می‌پردازد. لازم به ذکر است که نسبت صادرات این کشور در تولید ناخالص ملی طی دوره مورد بحث، ۷۷٪ و سهم بخش نفت در تولید ناخالص ملی ۶۶٪ می‌باشد. سهم دیگر بخشهای اقتصاد (کشاورزی و صنعت) در تولید ناخالص ملی به دلیل ضعف امکانات تولید بسیار پایین است. کویت با پیروی از اصل «تجارت آزاد» عوارض گمرکی کالاهای وارداتی را بجز در مورد کالاهای محدود که به هدف حمایت از صنایع داخلی عوارض گمرکی آن بین ۱۰ تا ۳۰٪ است، در سقف ۴٪ منحصر نموده و برخی از کالاها را به‌طور کلی از پرداخت عوارض گمرکی معاف دانسته است. در فصل اول بیان نظری نقش تجارت

حال آنکه در مورد عامل اول می‌توان گفت که پیشرفت تکنولوژی، آثار جنبی مختلفی را در بردارد که باید مد نظر قرار گیرند. یکی از این آثار، پیدایش نیاز است که پیش از این چندان مطرح نبوده است. از سوی دیگر اگر اختراع یک مادهٔ مصنوعی سبب شود احتیاج به کالایی کم شود، این عامل خود باعث افزایش نیاز به کالاهای دیگر خواهد شد؛ چرا که اساساً هیچ ماده‌ای را نمی‌توان از عدم خلق کرد.

در خصوص عامل دوم باید گفت که این قانون فقط در مورد مواد غذایی مصداق دارد و کلیهٔ مواد اولیه و حتی محصولات زراعی غیر غذایی مانند پنبه را شامل نمی‌شود.

در کتاب مورد بحث از تجارت خارجی به عنوان محور رشد و توسعهٔ اقتصادی کویت تعبیر شده و از آن دفاع گردیده است.

در فصل دوم نویسنده «تجارت خارجی کویت» را در نظر خواننده به تصویر می‌کشد و سهم تجارت خارجی را در فعالیتهای اقتصادی کویت تعیین می‌نماید. به طور متوسط ۸۰ تا ۸۴٪ کل فعالیتهای اقتصادی کویت، طی سالهای مورد بحث، مربوط به تجارت خارجی بوده که ۹۳٪ کل صادرات این بخش نیز مربوط به نفت است.

صادرات مجدد در کویت به دلایل زیر تاکنون از رشد بالایی برخوردار بوده است:

۱. پیروی از نظام «تجارت آزاد»
۲. چرخش برخی از کشورهای منطقه از بندر بیروت به سوی کویت
۳. کم بودن عوارض و حقوق گمرکی در این کشور و تسهیلات گستردهٔ بانکی و مالی

۴. جنگ عراق با ایران ترکیب کالاهای صادراتی غیرنفتی کویت را می‌توان در چهار بخش محصولات شیمیایی، وسایل حمل و نقل، ابزار و آلات، و محصولات صنعتی دسته‌بندی کرد.

در فصل سوم مؤلف به بررسی اثر تجارت خارجی در توسعهٔ اقتصادی کویت می‌پردازد. این بررسی نشان می‌دهد که نسبت واردات به تولید ناخالص ملی روندی صعودی داشته است که اولاً دلیلی بر افزایش میزان اتکاء کویت بر واردات بوده و نیز نشان می‌دهد که ورود کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای از خارج رو به افزایش بوده است؛ به طوری که این نسبت از ۲۲٪ در سال ۷۰ به ۳۰٪ در سال ۸۱ رسیده است. ثانیاً نسبت قیمت صادرات به تولید ناخالص ملی نیز نشانگر میزان اهمیت تقاضای جهانی برای محصولات کشور است و این امر به نوبهٔ خود توجه مسئولان اقتصادی کشور را به تحولات تقاضای جهانی محصولات جلب می‌کند. این نسبت در مورد کشور کویت از ۵۸٪ در سال ۷۰ به ۸۴٪ در سال ۷۴ رسیده است و طی ۱۰ سال به ۷۱٪ خواهد رسید که تقریباً نسبتی بزرگ است و لذا باید مسئولان اقتصاد کویت به تحولات بازار نفت (به عنوان رکن اساسی صادرات کویت) توجه بیشتری داشته باشند. نظری اجمالی بر ترکیب جمعیت و نیروی کار موجود در جامعهٔ کویت به روشنی بیانگر این واقعیت است که اولاً این کشور نیاز مبرمی به نیروی انسانی ماهر دارد، ثانیاً توزیع این نیروی کار نیز صحیح نمی‌باشد. به عنوان مثال، بخش نفت که دوسوم درآمد ناخالص

تصاعدی عوارض گمرکی بر واردات کالاهای مصرفی اقدام به کاهش واردات کرد.

ب) از آنجا که بعد از نفت «صادرات مجدد» (re export) مهمترین بخش تجارت خارجی به حساب می‌آید، لذا باید در جهت هرچه فعالیتت کردن این بخش تلاش فراوان به کار بست.

پ) به منظور تطبیق وضع موجود تجارت خارجی با وضعیت مطلوب، باید به برنامه ریزی در زمینه تجارت خارجی پرداخت. ت) از آنجا که نفت منبع اصلی درآمد دولت کویت است و با توجه به این نکته که ۸۵٪ صادرات نفتی از طریق دریا صورت می‌گیرد، لذا ضرورت متنوع کردن راههای صدور آن بیش از پیش مطرح می‌شود.

ث) از آنجا که تأمین نیروی انسانی ماهر خصوصاً در صنعت پتروشیمی بسیار حیاتی است، باید در برنامه‌های تعلیم فنی و دانشگاهی دقت بیشتری مبذول گردد.

ج) دقت در به کار نگرفتن نیروی انسانی غیرعرب در مناصب حساس و سری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و در این زمینه باید میدان را به روی متخصصین خبره عرب باز کرد.

سید سجّاد ابوترابی

ملّی این کشور را تشکیل می‌دهد به دلیل افزایش حجم سرمایه‌گذاری‌های موجود، سهم نیروی انسانی شاغل در آن از ۴٪ در سال ۷۰ به ۱/۶٪ در سال ۷۵ کاهش پیدا کرده است در حالی که سهم نیروی انسانی موجود در بخش خدمات کویت از ۶۴٪ در سال ۷۰ به ۷۳٪ در سال ۷۵ افزایش یافته است. بخش مسکن و ساختمان نیز دوّمین بخشی است که نیروی انسانی را به خود جذب کرده است.

در خاتمه کتاب توصیه‌هایی به شرح زیر ارائه شده است:

الف) از آنجا که نفت شریان اصلی تجارت خارجی و حیات اقتصادی کویت است، پس:

۱. باید بین تولید و صادرات آن و نیازهای توسعه اقتصادی تناسب قوی و مستحکم برقرار کرد.

۲. باید صدور سرمایه به کشورهای خارجی و درآمدهای نفتی در داخل، از طریق گسترش امکانات محلی و یا گسترش امکانات توسعه مشترک با سایر کشورهای عربی در جهت متنوع کردن ساختار تولید داخلی پیش رود.

۳. به منظور کمک به توسعه اقتصادی باید از طریق اجرای قوانین مربوط به افزایش

## شوروی در بحرانهای جهان سوم

Porter, Bruce D. *The USSR in Third World Conflicts*. London: Cambridge University Press, 1986. 248 P.

شوروی در برخوردهای منطقه‌ای است. این کتاب از گرایش اصلی معمول در مطالعات

هدف این کتاب نمایان‌ساختن برخی جنبه‌های تاکتیکی و عملی سیاست

درباره دستیابی شوروی به برابری هسته‌ای با آمریکا و آثار ناشی از آن بر رفتار کشور مزبور در قبال اختلافات منطقه‌ای می‌پردازد. فصل چهارم به توضیح مختصر موارد مشخص پرداخته و نشان می‌دهد که چرا این موارد از میان مجموعه جمهوری‌های شوروی انتخاب شده‌است. در فصول پنجم تا نهم، که قسمت اصلی کتاب را تشکیل می‌دهند، «درگیری شوروی در جنگ داخلی یمن (۶۸-۱۹۶۲)»، «جنگ داخلی نیجریه (۷۰-۱۹۶۹)»، «جنگ رمضان اعراب و اسرائیل (۱۹۷۳)»، «جنگ داخلی آنگولا (۷۶-۱۹۷۵)» و «جنگ اوگادن میان سومالی و اتیوپی (۷۸-۱۹۷۷)» مورد مطالعه قرار گرفته‌است. در تمامی این موارد ماهیت نزاع محلی، رابطه دیپلماتیک شوروی با کشور درگیر خواهان کمک، ارسال سلاحها و دیگر کمکهای نظامی شوروی، نقش مشاوران شوروی و اروپای شرقی و در صورت لزوم کوبا، کنش متقابل آمریکا و شوروی، نقش چین و سرانجام نتیجه اختلاف از دیدگاه منابع شوروی مورد بحث و بررسی قرار گرفته‌است. در فصل دهم، به عنوان نتیجه‌گیری، ناحیه‌های این مطایعه به صورت خلاصه جمع‌بندی شده‌است.

در پایان لازم است متذکر شویم که به علت دشواری تهیه اطلاعات دقیق و موثق در مورد فعالیت‌های نظامی و دیپلماتیک شوروی، نویسنده در استفاده از اطلاعات به دست آمده بسیار محتاطانه عمل کرده و گاه تنها قضاوت شخصی خود را ملاک عمل قرار داده‌است.

مربوط به سیاست شوروی در قبال جهان سوم فاصله می‌گیرد. طبق این گرایش معمول، عمدتاً برخی از جنبه‌های کلی ایدئولوژی و تفکر شوروی در ارتباط با جهان سوم یا هدفها و منافع استراتژیک شوروی در مناطق خاص جهان مورد ارزیابی قرار می‌گیرد اما در متن حاضر چنین جنبه‌هایی از موضوع مدنظر نیست، بلکه هدف آن است که به گونه‌ای متفاوت، محور سیاست خارجی شوروی، یعنی چگونگی روشهای تاکتیکی و برخوردهای عملی آن کشور در اختلافات منطقه به طور کلی بررسی شود.

ده فصل کتاب به تشریح این موضوع می‌پردازد. فصل نخست کل مطالب را معرفی می‌کند. فصل دوم به «مرور تاریخی دخالت‌های شوروی در اختلافات منطقه‌ای» اختصاص دارد و در این راستا تحولات سیاست شوروی پس از جنگ جهانی دوم، طی چهار مرحله بررسی می‌شود. در این فصل دوره ۱۹۱۷ تا آغاز جنگ جهانی دوم، به عنوان زمینه تحولات بعدی، مورد تأکید قرار می‌گیرد. فصل سوم «به پیشرفتهای نظامی شوروی پس از جنگ جهانی دوم»، بویژه در محدوده سلاحهای متعارف، می‌پردازد و در این زمینه پنج محور «صدور اسلحه»، «قدرت دریایی»، «قابلیت‌های حمل و نقل»، «فراهم کردن تسهیلات تدارکاتی در خارج»، «و استفاده از مشاوران و نظامیان روسی، اروپای شرقی و کوبایی در برخوردهای منطقه‌ای» را مورد توجه قرار می‌دهد. این فصل همچنین به بحث

## مقالاتی در نظریه و عمل سیاست بین الملل

Stanley Hoffmann, *Janus and Minerva Essays in the Theory and Practice of International Politics*. London: Westview Press. Inc., 1987.

یعنی رقابت واحدهای تشکیل دهنده اجتماع بین المللی است که در عمل هیچ محدودیتی ندارد، مگر محدودیتهایی که ضرورتها در حال دگرگونی بازی و اعتقادات بازیگران صحنه بین المللی را مقید سازد. البته نویسنده به وجود دوره های صلح و فقدان یا کاهش رقابت اشاره دارد، اما در عین حال معتقد است که «حالت جنگ» جنبه مسلط روابط بین الملل بوده و مفهوم اساسی این حالت هم مستلزم تفاوت بنیادین میان سیاست داخلی و سیاست خارجی است.

کتاب حاضر در پنج بخش و بیست فصل نوشته شده است. نویسنده پس از مقدمه، در بخشهای مختلف کتاب در مورد «نظریه ها و نظریه پردازان»، «نظم و خشونت»، و «بازیگران صحنه بین المللی و کنش و واکنش آنها» مطالعاتی انجام داده است و در بخش چهارم توصیه ها و پیشنهاداتی ارائه کرده و نهایتاً در بخش پنجم به نتیجه گیری پرداخته است.

کتاب ژانوس و مینروا، در برگزیده مجموعه مقالاتی درباره نظریه و عمل سیاست بین الملل است که نویسنده طی بیست و پنج سال گذشته آنها را تدوین کرده است. سه مقاله از مقالات یاد شده از کتاب حالت جنگ، که در سال ۱۹۶۵ از همین نویسنده منتشر گردیده، برگرفته شده است. باقی مقالات این کتاب بین سالهای ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۵ نوشته شده و پنج مقاله آن برای اولین بار به انگلیسی منتشر می شود. لازم به ذکر است که تمامی این مقالات به منظور چاپ در کتاب حاضر مورد تجدید نظر قرار گرفته اند.

نویسنده بر این عقیده است که در این مقالات نوع خاصی از رهیافت نظری به روابط بین الملل را مورد بررسی قرار دهد و نیز می خواهد که این رهیافت نخست با تاریخ و سپس با آموزشها و بینشهای فلسفه سیاسی رابطه ای بسیار نزدیک داشته باشد. او به پیروی از هابس و لاک توضیح می دهد که سیاست بین الملل در «حالت جنگ» است،